



گفت‌وگو با دکتر رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش

منش و هویت معلمی

تنظیم از: اقلدار محمدزاده صدیق - عکاس: غلامرضا بهرامی

رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش، معتقد است که مجله رشد معلم می‌تواند فرصت مناسبی برای توانمندسازی معلمان باشد و با همکاری‌های مشترک امکان استفاده بهتر از این بستر فراهم شود. او در گفت‌وگو با سردبیر مجله رشد معلم ابعاد این توانمندسازی را تبیین کرده است.

با شایستگی‌های معلمان دارید، معاونت شما به‌منظور توانمندسازی همکاران و رشد شایستگی‌هایشان چه فعالیت‌هایی را در دستور کار دارد یا چه کارهایی انجام داده است؟ خوشبختانه فرصت و مسئولیت بازنگری درسی دوره ابتدایی سطح کارشناسی دانشگاه فرهنگیان به من واگذار شد. به این ترتیب فرصتی فراهم شد تا بتوانیم با دانش‌آموختگان این دانشگاه و همکارانمان در سراسر کشور ارتباط نظام‌مند برقرار کنیم و از آن‌ها سؤال کنیم در برنامه درسی چه شایستگی‌هایی مغفول مانده‌اند. تیم علمی خوبی تشکیل شد و خوشبختانه برنامه بازنگری شده براساس سند تحول بنیادین و توجه متوازن به ساحت‌های شش‌گانه و با در نظر داشتن

ساده بگویم، معلم باید دوستدار کودک باشد، هم کودک را و هم تربیت را خوب بشناسد و بتواند از ابزارهای تربیت به‌طور مناسب استفاده کند. در این نگاه، عنصر تأثیرگذاری که ارتباط را برقرار می‌کند، نگاه و نگرش معلم به کار معلمی است که می‌تواند در اثربخش بودن فعالیت‌های معلم بسیار مؤثر باشد. از این‌رو، وقتی به تجربه‌های خود نگاه می‌کنیم، تأثیرگذارترین معلم ترجیحاً معلمی نبوده است که از سطح سوادش چیز زیادی در ذهنمان مانده باشد، بلکه معلمی بوده است که به‌عنوان انسان توجه زیادی به ما داشته است. در کنار ما بوده است و ما این همراهی را احساس کرده‌ایم.

معلم با توجه به نگاهی که در ارتباط

معلم درباره شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان صحبت کنید. به نظر شما مهم‌ترین ویژگی‌های حرفه‌ای معلمان کدام‌اند؟

معلمان سه دسته ویژگی دارند: ابتدا تسلط بر دانش تخصصی موضوع تدریس. دوم، تسلط بر اجزای شغل معلمی شامل تدریس با تمام اجزای آن، از طرح درس گرفته تا روش‌های فعال تدریس و روش‌های درست ارزشیابی. اما، سومین دسته از ویژگی‌ها، منش معلمی یا ویژگی‌های شخصی معلمی است. هر متخصص خوبی، حتی اگر مهارت خوبی در روش‌های تدریس داشته باشد، تا ویژگی‌های نوع سوم را به او اضافه نکنیم، معلم تأثیرگذاری نخواهد بود. به نظر من، این ویژگی خیلی مهم است. به زبان

مواردی که در پاسخ به سؤال قبل مطرح شد، تدوین گردید و به تصویب رسید. میسوارم این اقدام که با کمک همکاران متخصص انجام شد، بتواند مسیر جدیدی را در تربیت دانشجومعلمان باز کند. اقدام دیگر، «طرح کارآمد بود؛ یعنی برگزاری دوره‌های آموزش ضمن خدمت به درخواست خود معلم‌ها. معمولاً در دوره‌های آموزش ضمن خدمت، ستاد تعیین می‌کند معلم‌ها چه آموزش‌هایی ببینند. اما آیا این شیوه به کسب صلاحیت‌های مدنظر منجر می‌شود؟ گزارش‌های میدانی ما نشان می‌دهند که این‌گونه نیست. پژوهش‌های متعددی که در رابطه با اثربخشی دوره آموزش ضمن خدمت برگزار شده‌اند، نشان از این دارند که در برگزاری این دوره‌ها موفق نبوده‌ایم. یکی از دلایل آن، نگاه از بالا به پایین و توجه نکردن به نیازهای معلمان است. در حالی که معلمان یادگیرندگان بزرگسال هستند و برای آموزش آن‌ها باید به اصول آموزش بزرگسالان توجه کنیم. تجربه‌ها و نیازهایی که خودشان اعلام می‌کنند باید مبنای کار قرار گیرد. در عین حال، براساس مبانی نظری و اطلاعات جمع شده در ارتباط با استان‌ها و نیازهایی که معلم‌ها دارند، چارچوبی را تهیه کردیم که شامل عنوان‌هایی از دوره‌هایی بود که ما فکر می‌کردیم لازم هستند؛ از جمله شناخت مسائل کودک، رشد کودک و مهارت‌های مشاوره.

معلم با توجه به فعالیت‌های صورت گرفته، عملکرد مدرسه‌های دوره ابتدایی را از نظر کیفیت فرایند آموزش چگونه ارزیابی می‌کنید. به نظر شما مدرسه‌های ما از نظر عملکردی در چه حدی قرار دارند؟ از جمله چالش‌های جدی نظام آموزشی ما این است که سنجهای نداریم و بیشتر بر فعالیت‌ها تمرکز کرده‌ایم. به دلیل اینکه تعریف مشخصی از برون‌دادهای آموزشی و تربیتی نداریم، اظهارنظر درخصوص اینکه مدرسه‌های ما تا چه اندازه موفق بودند، سخت است. اما تا جایی که به تلاش‌ها و فعالیت‌ها در دوره ابتدایی برمی‌گردد، اکثریت قریب به اتفاق مدیران و معلمان ما فوق‌العاده کار می‌کنند و تمام

تجربه معلمی

به صورت حق التدریس استخدام شدم و در یکی از مناطق محروم شهر قم معلم کلاس چهارم بودم. خاطرم هست هیچ آموزشی ندیده بودم و مستقیم از مدرسه به عنوان معلم رفته بودم سر کلاس. وقتی مدیر پرسید آیا دوره‌ای دیده‌ای، گفتم نه! ولی معلمی را دوست دارم. آن دوره هم برای من تجربه بسیار خوبی داشت. بچه‌هایی را می‌دیدم که بسیار مستعدند، اما خانواده‌هایشان درک درستی از فرصت‌های تحصیل، به‌ویژه برای دختران، نداشتند. من دانش‌آموزی داشتم که فوق‌العاده سرآمد بود. زمانی که از او پرسیدم برنامه‌ات چیست، گفت خانواده‌ام اجازه ادامه تحصیل بیشتر از پنجم دبستان را به من نمی‌دهند. من با خانواده‌اش صحبت کردم. اما در پاسخ من گفتند تا همین جا هم خیلی خوانده است! امروز خیلی خوشحالم که این فرصت فراهم شده است که بیشتر بچه‌ها بتوانند درس بخوانند.

هستند و خواندن و نوشتن، علاوه بر بستر اصلی، باید از طریق ریاضی هم پیش برود. اگر دانش‌آموز ما در علوم اشتباه‌آملاپی داشته باشد، به او ایراد نمی‌گیریم! این‌ها اشکال نظام آموزشی هستند که باعث می‌شوند برنامه درسی ما که محور کار است، چالش‌های جدی داشته باشد؛ نه مهارت‌محور است و نه با اقتضات دوران کودکی هم‌خوانی دارد.

معلم تفکر کاهش تمرکز و واگذاری اختیارات به مدرسه‌ها را چقدر در کیفیت مدرسه و رشد معلم مفید می‌دانید؟

اقدام مثبتی می‌دانم. معتقدم نظام برنامه درسی ما در گذشته نسبت به شنیدن صدای ذی‌نفعان اصلی که معلمان و دانش‌آموزان هستند، بی‌توجهی کرده‌اند و نظامی از بالا به پایین بوده است. طبیعی است به این ترتیب خیلی از حوزه‌ها دچار غفلت می‌شوند که ممکن است از دید دانش‌آموزان و معلمان ضروری باشند. «برنامه بوم» فرصتی فراهم می‌کند که هر مدرسه به رسمیت شناخته شود و براساس ویژگی‌های همان مدرسه و نیازهای افرادی که ذی‌نفع هستند، شامل اولیا، دانش‌آموزان و معلمان و بگوید در کنار آن برنامه‌ای که برنامه‌ریزان برای ما تصمیم‌گیری کرده‌اند، چه چیزی است که مورد توجه واقع نشده است. چالش‌هایی در اجرا وجود دارد. البته در دوره ابتدایی کار را خیلی جدی گرفتیم و دستاوردهای خوبی داشتیم. به نظر

تلاش خود در این شرایط به کار می‌گیرند. تجربه‌های میدانی من در سفرهایی که به همه استان‌های کشور داشتم، حاکی از این بود که در محیط‌های محروم‌تر، انگیزه، شوق و تلاش معلمان بیشتر بود. در استان ایلام، معلمی در ارتفاعات کوه‌های زاگرس دیدم که کانکس عشایری خود را به محیط یادگیری تبدیل کرده بود. زمین اطراف را به زمین ورزش تبدیل کرده بود و درباره توسعه مهارت‌های شغلی برای دانش‌آموزان صحبت می‌کرد.

برنامه درسی ما همچنان موضوع‌محور است و تلفیقی نیست. بسیاری از مهارت‌هایی را که باید در موضوعات درسی ارائه دهیم، مجزا کرده‌ایم؛ از جمله مهارت خواندن و نوشتن که مهارت‌های اصلی هستند، در درس فارسی به صورت مجزا دنبال می‌شوند و موضوع یادگیری درس ریاضی، هنر و علوم اجتماعی ما در قبال پرورش این مهارت مسئولیتی ندارد. برای مهارت‌های پژوهش و تفکر کتاب نوشته‌ایم، در حالی که این مهارت‌ها کتاب نمی‌خواهند، بلکه باید از طریق هنر، ریاضی و علوم آن را دنبال کرد. در برنامه درسی، یک مجموعه صلاحیت‌های عمومی و یک مجموعه حیطه‌های یادگیری داریم. ما نسبت این دو را رعایت نکرده‌ایم و همه را به حیطه‌های یازده‌گانه یادگیری تبدیل کرده‌ایم که این اشکال جدی دارد. صلاحیت‌های عمومی را باید به شکل تلفیقی پیش ببریم. ما نیازی به کتاب محیط زیست، سواد رسانه‌ای، پژوهش و تفکر نداریم. این‌ها صلاحیت‌های عمومی



مدل به نظر شما آموزش دانش‌آموز کلاس اول در فضای مجازی، بدون اینکه سر کلاس برود، چگونه امکان‌پذیر است؟ آیا بهتر نبود آموزش لاکل در پایه اول ابتدایی شش ماه به تعویق بیفتد؟ آیا به این ترتیب دانش‌آموز کلاس اول به سطح استاندارد یادگیری مورد نظر خواهد رسید؟

در دستورالعملی که تهیه کرده بودیم، حتی در مناطق قرمز، تأکید بر این بود که بچه‌های کلاس اولی حداقل دو روز در هفته در گروه‌های کوچک به مدرسه بروند و با معلم و فضای مدرسه آشنا شوند. در حال حاضر هم این را به‌عنوان یک دغدغه در جلسه مشترک با وزیر محترم بهداشت مطرح کردیم و از ایشان خواستیم به این موضوع به‌عنوان مسئله‌ای ملی نگاه کنند. زیرا سواد یک نسل در خطر است و کلاس اول و دومی‌های ما نیازمند توجه جدی هستند. از ایشان خواهش کردم در ستاد ملی کرونا، باب جدیدی برای کلاس اول و دومی‌ها باز کنند. نامه‌ای در این موضوع برای رئیس‌جمهور ارسال شد. در این شیوه آموزش مجازی دانش‌آموزان کلاس اولی، علاوه بر آسیب دیدن شدید مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، حتی مهارت‌های پایه خواندن و نوشتن هم آسیب می‌بینند. تصور اینکه یک بچه الفبا را با تلفن همراه یاد بگیرد، خیلی غیرواقع‌بینانه است. در هیچ کشوری، با وجود تلفات بالای کرونا، مدرسه‌ها را تعطیل نکردند. در شمال دانمارک فقط دبیرستان‌ها را تعطیل کردند. این برای من سؤالی جدی است که چرا به تجربه‌های جهانی توجه کافی نداریم.

از چه منبع، مواد یادگیری و چه فرصتی برود علوم و ریاضی به بچه‌ها یاد بدهد. دلیلش آن است که معلمان قابلیت‌ها را خیلی خوب یاد گرفته‌اند. هر چند با استانداردها فاصله داریم، اما فکر می‌کنم نباید منتظر بمانیم و ابتدا برویم معلم‌ها را آموزش دهیم و بعد کار را انجام دهیم. «Learning by doing» یعنی انجام بدهند و بعد یاد بگیرند.

من اجرا باید به معاونت‌های آموزشی سپرده شود. یکی از شایستگی‌های مورد نیاز برای معلمان که در برنامه بوم بیشتر متوجه آن شدیم، این است که معلم باید توانایی طراحی مستقل یک واحد یادگیری را داشته باشد و بداند چگونه می‌تواند فرصت یادگیری ایجاد کند. در خیلی از کشورهای دنیا چارچوب برنامه درسی فقط استانداردهای یادگیری را می‌دهد و معلم خودش انتخاب می‌کند

تجربه دانش‌آموزی

تجربه دانش‌آموزی من خاص بود. آن زمان شناسنامه‌ها را زودتر می‌گرفتند و پدر و مادرها عجله داشتند بچه‌ها زودتر به مدرسه بروند؛ موضوعی که من به شدت با آن مخالفم! به عبارت دیگر، بچه‌ها دنیای بچگی را تمام نکرده، وارد مدرسه می‌شوند و مجبور می‌شوند فضای متفاوتی را تجربه کنند. من در سه چهار ماه کلاس اول ابتدایی، در کلاس درس حضور نداشتم و از هر فرصتی استفاده می‌کردم بروم در حیاط مدرسه بازی کنم. هیچ چیز هم یاد نگرفته بودم؛ نه حروف و نه ریاضی!

فرزند آخر خانواده بودم و در منطقه کوچک ما، ابیانه، تمامی خواهر و برادرهایم شاگرد ممتاز بودند. همه به این نتیجه رسیده بودند که من دانش‌آموز به اصطلاح خنکی هستم! در واقع خیلی متفاوت بودم. معلم کلاس اول ما، خانم عصمت آقایی ابیانه، شاید می‌توانست خیلی راحت مرا کنار بگذارد و کاری به کارم نداشته باشد! ولی ایشان از طریقی که امروز ما به‌عنوان اقدام‌پژوهی از آن یاد می‌کنیم، خیلی جدی با خانواده‌ام صحبت کرد و برنامه‌ای گذاشت تا خانواده بر من نظارت داشته باشند و من کارهایی را انجام دهم. ایشان با تشویق‌های مکرر، مرا علاقه‌مند کرد. اولین املائی که من نوشتم، هر چند همه کلمات آن را درست نوشته بودم، اما از چپ به راست بود! او می‌توانست نمره مرا صفر بدهد. اما ایشان یک فلش کشید و گفت که عزیزم، از این به بعد از این سو بنویس!

من هیچ موقع شوقی را که آن روز داشتم و فهمیدم می‌توانم یاد بگیرم، فراموش نکرده‌ام. از مدرسه تا خانه دویدم و به همه اعلام کردم ۲۰ گرفته‌ام، در حالی که می‌توانستم صفر بگیرم! زیرا در عین حال که همه چیز را درست نوشته بودم، غلط نوشته بودم. این در ذهن من همیشه اثرگذار بوده است. در همایش «مهر اول» که در نیشابور برای تقدیر از معلمان کلاس اول برگزار شده بود، من دستان ایشان را بوسیدم و گفتم ایشان معلمی است که از من دست نشست و مرا نادیده نگرفت. اگر من امروز به‌عنوان معاون وزیر صحبت می‌کنم، مدیون نگاه ایشان هستم. به همین دلیل معتقدم باید همه بچه‌ها را جدی بگیریم.